

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان
با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

Predicting the tendency to engage in risky behaviors based on cognitive distortion and cognitive emotion regulation with the mediating role of coping style in high school girls with symptoms of depressive disorders

Masoumeh Yari chaghakaboodi

MSc, Department of clinical Psychology, Sa.C.,
Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

معصومه یاری چقاکیبودی

کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، واحد سنندج، دانشگاه
آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

Houshang Jadidi

Assistant Professor, Department of Psychology,
Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

هوشنگ جدیدی^۱

استادیار، گروه روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی،
سنندج، ایران.

Abstract

Given the increasing prevalence of depressive symptoms among high school girls and the potential of these symptoms to influence risky behaviors, it is very important to examine the underlying psychological mechanisms. Therefore, the present study aimed to predict the tendency to engage in risky behavior based on cognitive distortions and cognitive emotion regulation with the mediator variable of coping style in high school girls in Kermanshah with symptoms of depressive disorders. The present study design was a correlational structural equation modeling. The population of the present study was all adolescent students studying in high schools in Kermanshah in the academic year 1402-1403, of which 288 valid responses were selected as the final sample using the convenience sampling method. The data collection tools in the present study were the Iranian Adolescent Risk-Taking Questionnaire, the Garnevsky et al. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire, the Abdollahzadeh and Sala Cognitive Distortions Questionnaire, the Lazarus and Folkman Coping Strategies Questionnaire, and the Beck Depression Inventory. In this study, structural equation modeling was used to investigate the causal relationship between the variables under study. The latest version of AMOS and SPSS software was used to analyze the data and perform these tests. The results of data analysis showed that the tendency to engage in risky behavior was predicted based on cognitive

چکیده

با توجه به شیوع فزاینده علائم افسردگی در میان دختران دبیرستانی و پتانسیل این علائم برای تأثیرگذاری بر رفتارهای پرخطر، بررسی مکانیسم‌های روانی اساسی بسیار مهم است. لذا پژوهش حاضر با هدف پیش بینی میل به انجام رفتار پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با متغیر میانجی سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی شهر کرمانشاه با علائم اختلالات افسردگی انجام شد. طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع مدل سازی معادلات ساختاری بود. جامعه پژوهش حاضر تمامی دانش آموزان نوجوانان مشغول به تحصیل در دبیرستان های شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که در این میان، ۲۸۸ نفر پاسخ معتبر به عنوان نمونه نهایی با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. ابزارهای گردآوری داده ها در مطالعه حاضر پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران، پرسشنامه تحریف‌های شناختی عبدالله‌زاده و سالار، پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن و پرسشنامه افسردگی بک بود. در این پژوهش به منظور بررسی رابطه علی بین متغیرهای مورد مطالعه پژوهش، از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه تحلیل داده ها و انجام این آزمون ها از آخرین نسخه نرم افزارهای AMOS و SPSS استفاده شد. نتایج حاصل

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

distortion and cognitive emotion regulation with the mediator variable of coping style in high school girls in Kermanshah with symptoms of depressive disorders. As a result, it is recommended that micro and macro decision-making systems consider these components in their actions to reduce risky behavior.

از تحلیل داده ها نشان داد میل به انجام رفتار پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با متغیر میانجی سبک مقابله ای در دختران دبیرستانی شهر کرمانشاه با علائم اختلالات افسردگی قابل پیش بینی بود. در نتیجه توصیه می شود سیستم های خرد و کلان تصمیم گیری در راستای اقدامات خود برای کاهش رفتارهای پرخطر این مولفه ها را در نظر داشته باشند.

Keyword: risky behavior, cognitive distortion, cognitive emotion regulation, coping style, depression.

واژه‌های کلیدی: رفتار پرخطر، تحریف شناختی، تنظیم شناختی هیجان، سبک مقابله ای، افسردگی.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : فروردین	پذیرش: خرداد
--------------------	------------------	--------------

مقدمه

دوره نوجوانی دوره‌ای بحرانی در طول زندگی افراد است و حتی گاهی این بحران آسیب‌های روان‌شناختی مانند افسردگی^۱ را به دنبال دارد. به‌طوری‌که طبق مطالعات شیوع افسردگی در بین نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله ۲۴ درصد است (عثمانی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳) و از نظر جنسیتی افسردگی در بین نوجوانان دختر بیشتر از پسران گزارش شده است (لیانگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). علایم افسردگی مانند احساس بی‌ارزشی، افکار مکرر خودکشی و تحریک پذیری و بی‌قراری به گونه‌ای است که ممکن است نوجوانان را به سمت تجربه موقعیت‌ها و رفتارهای پرخطر^۴ سوق دهد (نزوما و شاور^۵، ۲۰۲۴). رفتارهای پرخطر شامل رفتارهایی مانند کشیدن قلیان، سیگار، مصرف مواد مخدر و الکل و رابطه جنسی می‌شود که ایمنی و سلامت فرد و دیگران را به خطر می‌اندازد (ویدورک^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). بررسی نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که گرایش به انجام رفتار پرخطر در سال‌های نوجوانی بیشتر است و به همین دلیل شناخت این رفتارها در این دوره بحرانی از اهمیت بسیاری برخوردار است (اجیسکسمو^۷، ۲۰۲۱). بررسی نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده است که گرایش به رفتارهای پرخطر در جامعه دانش آموزان کشور ما هر ساله رو به افزایش است و نتایج یک مطالعه فراتحلیل در ایران نشان داد که شیوع مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، استعمال دخانیات، کشیدن قلیان و روابط خارج از ازدواج در نوجوانان ایرانی به ترتیب ۰.۴٪، ۰.۹٪، ۰.۹٪ و ۲۰٪ بوده است (بهادیوند و همکاران، ۱۴۰۰).

گرایش به رفتارهای پرخطر ریشه در برخی از سازه‌های روانشناسی دارد و مطالعات تایید کرده‌اند که نوجوانانی که با مشکلات رفتاری مواجه هستند، اغلب درک‌های نادرستی از واقعیت دارند و همواره دچار تحریف‌های شناختی^۸ می‌شوند (کیکارلی^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). بر طبق روی‌آورد شناختی رفتاری، تحریفات شناختی می‌تواند نقشی مهمی در ایجاد و ادامه رفتارهای پرخطر ایفا کنند، مثلاً توهم داشتن کنترل بر تمامی کارها و به خاطر آوردن تنها لذت‌ها و نادیده گرفتن رنج‌ها موجب می‌شود، این افراد اغلب درک نادرستی از واقعیت داشته باشند (کیکارلی و همکاران، ۲۰۲۱). تحریف‌های شناختی از عوامل اصلی نداشتن

1. depression

2. Osmani

3. Liang

4. high-risk behaviors

5. Nzoma & Shaw

6. Vidourek

7. Ajisuksmo

8. cognitive distortions

9. Ciccarelli

ارزیابی صحیح از شرایط و در نتیجه ناتوانی در انتخاب راهبرد صحیح در زندگی است و همین ارزیابی نادرست باعث می شود که فرد به سمت رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر به عنوان یک راهبرد مقابله‌ای برای تنظیم هیجانات خود و فرار از مشکلات برود (کرمانی و همکاران، ۱۴۰۱). در همین راستا، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که تنظیم شناختی هیجان^۱ می‌تواند به عنوان عاملی مهم در پیشگیری و محافظت از افراد در برابر رفتارهای پرخطر عمل کنند (سفیدرود و حبی^۲، ۲۰۲۳). تنظیم شناختی هیجان شامل نحوه مدیریت و پاسخ افراد به تجربیات عاطفی خود می‌شود، از جمله راهبردهایی مانند ارزیابی مجدد (تغییر یک موقعیت برای تغییر تأثیر عاطفی آن) و سرکوب (ممانعت از ابراز هیجان) (مک‌رای^۳، ۲۰۱۶). همچنین، تنظیم شناختی هیجان به طور مستقیم در نحوه تفکر و تفسیر شناختی افراد نسبت به وقوع یک تجربه منفی و یا رویداد تنش‌زای زندگی نقش دارد (پترووا^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). تفسیر شناختی صحیح نسبت به هیجان، زمینه ساز واکنش هیجانی صحیح و در نهایت تنظیم هیجان در موقعیت می‌گردد و این بدین معناست که نوجوان در موقعیت پیش آمده می‌تواند با انعطاف پذیری بیشتری پاسخ دهد (دوان^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). نوجوانانی که هیجانات منفی زیادی تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که به رفتارهای پرخطر روی آورند. این مسئله نشان‌دهنده تعامل پیچیده‌ای از فرآیندهای شناختی، عاطفی و ذهنی در شکل‌گیری و پایداری این رفتارها است. هنگامی که افسردگی وجود دارد، این افکار تحریف شده می‌توانند احساس ناامیدی و بی‌ارزشی را تشدید کنند، و احتمال درگیر شدن در رفتارهای پرخطر مانند سوء مصرف مواد، آسیب رساندن به خود، یا اعمال جنسی ناایمن را به عنوان سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار افزایش دهند (راموس و لوپز^۶، ۲۰۲۴). مطالعات نیز این امر را تایید کرده است و نشان داده شده است که سبک‌های مقابله‌ای نقش مهمی در پیش بینی رفتارهای پرخطر دختران نوجوان مبتلا به افسردگی دارد (لیو^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). سبک‌های مقابله‌ای، مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد در جهت تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش‌زا و کاهش رنج ناشی از آن است (احمدی^۸ و همکاران، ۲۰۲۳). لازاروس و فولکمن^۹ (۱۹۸۸) معتقدند که سبک‌های مقابله‌ای می‌توانند به شکل مساله مدار یا هیجان مدار باشند، سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار باعث سازگاری فرد با شرایط تازه می‌شوند، اما سبک‌های مقابله‌ای هیجان مدار ممکن است در نهایت به مشکلات روان‌شناختی منجر شود (لاقاری^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳). نتایج مطالعات ابوبکری ماکویی و همکاران (۱۳۹۹)، نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار به صورت منفی و سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار به صورت مثبت نقش مهمی در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دارند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر در نوجوانان پرداخته‌اند. محمدی حسینی اصل و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که ارضای نیازهای بنیادی روان‌شناختی رابطه منفی با رفتارهای پرخطر دارد و نقش میانجی نشاط ذهنی را در این زمینه تأکید کردند. همچنین، کرمانی و همکاران (۱۴۰۰) و مسلک و همکاران (۱۴۰۰) به ترتیب بر نقش راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان و آموزش آن در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر و گرایش به اعتیاد تأکید کرده‌اند. نتایج پژوهش خطیب و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که دشواری در تنظیم شناختی هیجان به عنوان یک میانجی در رابطه بین رفتارهای

1. Cognitive regulation of emotion

2. Sefidrood & Hobbi

3. McRae

4. Petrova

5. Doan

6. Ramos & Lopez

7. Liu

8. Ahmadi

9. Lazarus and Folkman

10. Laghari

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

پرخطر و مکانیزم‌های دفاعی عمل می‌کند. در سطح بین‌المللی، سینگ و سینگ (۲۰۲۳) به تأثیر مشکلات تنظیم هیجان بر مشارکت در رفتارهای پرخطر و کاروالیو و همکاران (۲۰۲۳) به کاهش افکار خودکشی با کمک تنظیم هیجان اشاره کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که علائم افسردگی می‌تواند به‌طور مستقیم بر رفتارهای پرخطر اثر بگذارد (پوزلو و همکاران، ۲۰۲۲) و مصرف مواد به عنوان واسطه‌ای برای تحریف‌های شناختی و افکار خودکشی عمل کند (چورکوجی و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به این پیشینه غنی، واضح است که هر یک از مطالعات مذکور جنبه‌هایی از رفتارهای پرخطر و عوامل روان‌شناختی مؤثر بر آن‌ها را بررسی کرده‌اند، اما هنوز شکاف‌هایی در پژوهش‌های انجام شده وجود دارد. به‌ویژه، نیاز به بررسی دقیق‌تر تحریف‌های شناختی، تنظیم شناختی هیجان و نقش میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر در دختران دبیرستانی با علائم افسردگی احساس می‌شود. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف پر کردن این شکاف و ارائه شواهد تجربی جدید در این زمینه طراحی شده است.

روش

این تحقیق از لحاظ هدف پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود و از نظر روش نیز یک تحقیق همبستگی به شمار می‌آید. طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر محصل در مقطع دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. همچنین، از آنجایی که حداقل حجم نمونه مورد نیاز در مطالعات مربوط به رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری، باید بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر باشد (کلاین و موثنی^۱، ۲۰۰۷)؛ بدین جهت، کل نمونه انتخاب شده در این پژوهش طبق پروتکل کلاین ۲۵۰ نفر برآورده شد و با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه و یا عدم پاسخگویی صحیح به پرسشنامه‌ها، ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد که از میان دانش‌آموزان دختر محصل در مقطع دوم متوسطه شهر کرمانشاه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. در این بین، ۲۸۸ پرسشنامه معتبر جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل اعلام رضایت شرکت‌کننده، مشغول به تحصیل بودن در یکی از مدارس دوره متوسطه دوم شهر کرمانشاه، دامنه سنی ۱۴ تا ۱۹ سال؛ کسب نمره ۱۴ و یا بیشتر در پرسشنامه غربالگری افسردگی بک بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل پاسخ‌دهی ناقص پرسشنامه‌ها و کسب نمره زیر ۱۴ در پرسشنامه غربالگری افسردگی بک بود. همچنین، لازم به ذکر است که ملاحظات اخلاقی مربوط به نمونه‌گیری از جمعیت دانش‌آموز دبیرستانی، مانند کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، اطمینان از محرمانه بودن و ناشناس بودن، و پایبندی به دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین شده توسط دانشگاه آزاد سنندج لحاظ شد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر با شناسه کد اخلاق IR.IAU.SDJ.REC.1403.066 مورد تایید قرار گرفته است.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی

این پرسش‌نامه ۳۸ سؤال دارد و هدف آن سنجش میزان خطرپذیری در نوجوانان از ابعاد مختلف است؛ از جمله گرایش به مواد مخدر، گرایش به الکل، گرایش به سیگار، گرایش به خشونت، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، گرایش به رابطه با جنس مخالف، گرایش به رانندگی خطرناک و غیره. در پژوهش محمدی و همکاران، روایی سازه این مقیاس ارزیابی شد. تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داد که این پرسش‌نامه مقیاسی هفت‌بعدی است که ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۷۴ تا ۰/۹۳ قرار داشت که بیانگر پایایی خوب این مقیاس است. حداقل امتیاز ممکن برای این پرسش‌نامه ۳۸ و حداکثر ۱۹۰ خواهد بود. نمره بین ۳۸ تا

¹. Klein & Muthén

۷۶، میزان خطرپذیری کم، نمره بین ۷۶ تا ۱۱۴، میزان خطرپذیری متوسط و نمره بیشتر از ۱۱۴، میزان خطرپذیری زیاد است (زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

این پرسشنامه خودگزارشی را گارنفسکی و کرایج^۱ (۲۰۰۷) برای شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی تدوین کرده‌اند. پرسشنامه ۹ زیرمقیاس و ۳۶ ماده دارد که دارای راهبردهای مثبت و سازگار و راهبردهای منفی و ناسازگار است. راهبردهای مثبت و سازگار عبارت‌اند از: ۱- پذیرش (سؤالات ۵، ۶، ۷، ۸)؛ ۲- تمرکز مثبت مجدد بر برنامه‌ریزی (سؤالات ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲)؛ ۳- ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه‌پذیری (سؤالات ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷). راهبردهای منفی و ناسازگار نیز عبارت‌اند از: ۱- سرزنش خود (سؤالات ۱، ۲، ۴)؛ ۲- سرزنش دیگران (سؤالات ۳۴، ۳۵، ۳۶)؛ ۳- نشخوار فکری (سؤالات ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)؛ ۴- فاجعه انگاری (سؤالات ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲). پاسخ‌های این پرسشنامه در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (تقریباً هرگز=۱، گاهی اوقات=۲، معمولاً=۳، اغلب اوقات=۴، تقریباً همیشه=۵) جمع‌آوری می‌شود. همسانی درونی پرسشنامه برای مقیاس کل ۹۳/۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۶۴/۰ تا ۹۱/۰ گزارش شده است (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۷). در ایران نیز همسانی درونی پرسشنامه برای مقیاس کل ۷۰/۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۶۴/۰ تا ۷۷/۰ گزارش شده است (امین آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکمن

جهت بررسی راهبردهای مقابله‌ای از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۸) استفاده شد که ۶۶ سؤال دارد و ۸ راهبرد مقابله‌ای را می‌سنجد. این الگوهای ۸ گانه به ۲ دسته روش‌های مسئله‌مدار (جست‌وجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل مدبرانه مسئله و ارزیابی مجدد مثبت) و هیجان‌مدار (مقابله‌ی رویاروی‌گر، دوری‌جویی، خویشتن‌داری و گریز-اجتناب) تقسیم شده‌اند. این پرسشنامه ۴ گزینه‌ای و در مقیاس لیکرت می‌باشد. فولکمن و لازاروس در یک تحقیق پایایی به روش همسانی دورنی ۷۵/۰، پایایی خرده‌مقیاس‌های آن را از ۶۱/۰ برای روش مقابله‌ای دوری‌جویی تا ۷۹/۰ برای ارزیابی مجدد مثبت گزارش کرده‌اند. آقابوسفی در یک تحقیق پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی دورنی آلفای کرونباخ، ۸۰/۰ گزارش کرده است (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۵).

پرسشنامه تحریف شناختی

پرسشنامه تحریف شناختی ۲۰ سوالی است که توسط عبدالله زاده و سالار (۱۳۸۹) تهیه شده است. این پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده است که ابزاری ساده و در دسترس برای شناسایی تحریفات شناختی باشد و این تحریف‌ها را در زندگی روزمره با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، خنثی، مخالفم، کاملاً مخالفم) ارزیابی می‌کند. نمرات کل بالاتر نشان دهنده مثبت‌اندیشی بیشتر است (به جز یک مورد با نمره معکوس). روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان تایید شده است و پایایی آن همانطور که در تحقیقات قبلی فرمانی (۱۳۹۳) ۸۰/۰ و در پژوهش مسلمان و همکاران (۱۳۹۷) ۹۱/۰ گزارش شده است و مورد تایید است.

پرسشنامه افسردگی بک

این پرسشنامه را بک برای سنجش شدت افسردگی بک ساخته است. پرسشنامه از ۲۱ ماده تشکیل شده است. هر سؤال پرسش دارای ۴ جمله است که هر کدام علامتی از افسردگی را از خیلی کم نمره (۰) تا خیلی زیاد نمره (۳) نشان می‌دهد. برای تحلیل، نمرات با هم جمع می‌شوند و اگر نمره فرد بین (۰) تا (۹) باشد بدون افسردگی، نمره (۱۰) تا (۱۸) افسردگی

^۱. Garnefski & Kraaij

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

خفیف، (۱۹) تا (۲۹) افسردگی متوسط و (۳۰) تا (۶۳) افسردگی شدید در نظر گرفته می‌شود. پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۸۶/۰ و ۸۲/۰ گزارش شده است (صادقیان و حیدریان پور، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس، نتایج تحلیل مسیر ارائه می‌شود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی در جدول ۱ و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

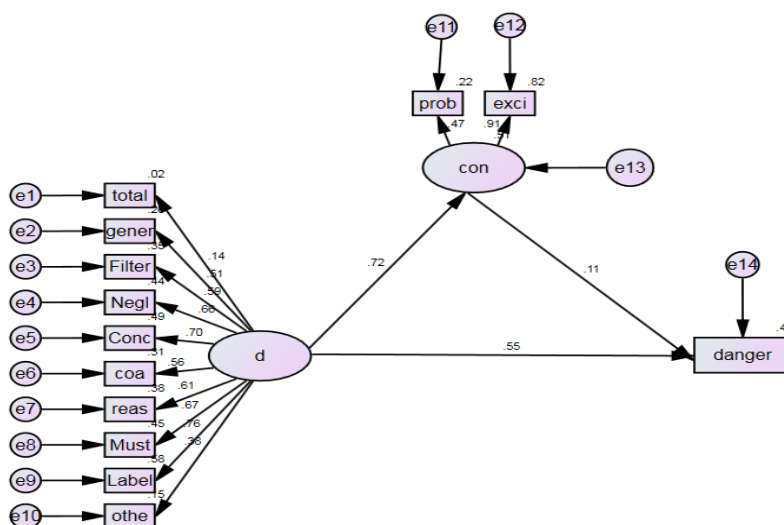
جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش				
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
راهبرد مسئله مدار	۳۲/۱۱	۵/۶۸	-۰/۳۱۰	۰/۳۲۷
راهبرد هیجان مدار	۵۹/۸۳	۹/۸۹	-۰/۲۶۰	۰/۱۴۰
همه یا هیچ	۶/۷۸	۲/۷۸	-۰/۱۷۵	۰/۲۵۳
تعمیم مبالغه آمیز	۵/۸۳	۱/۸۵	-۰/۲۶۷	۰/۱۷۶
فیلتر ذهنی	۵/۴۷	۱/۸۴	۰/۳۵۱	۰/۲۵۰
بی توجهی به امر مثبت	۴/۴۹	۱/۸۹	-۰/۱۱۸	-۰/۱۴۱
نتیجه گیری شتابزده	۵/۵۰	۲/۰۴	-۰/۵۰۷	۰/۱۲۶
درشت بینی و زیر بینی	۵/۷۶	۲/۱۶	-۰/۳۶۵	۰/۷۰۱
استدلال احساسی	۴/۴۵	۱/۷۹	-۰/۴۵۸	۰/۴۱۳
باید - بهتر	۵/۹۳	۲/۰۲	۰/۵۲۵	۰/۲۱۵
برچسب زدن	۴/۵۸	۱/۹۶	-۰/۲۵۱	۰/۴۶۵
شخصی سازی	۵/۰۴	۱/۹۴	-۰/۲۷۱	۰/۳۲۹
ملامت خویش	۴/۷۹	۲/۰۷	-۰/۴۶۱	۰/۱۵۴
پذیرش	۵/۴۹	۲/۱۷	-۰/۴۷۱	۰/۵۵۶
تمرکز روی افکار/ نشخوارگری	۶/۰۲	۱/۹۲	۰/۱۵۱	۰/۶۳۶
تمرکز مجدد مثبت	۵/۱۶	۲/۰۴	۰/۱۲۱	۰/۱۲۵
تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	۶/۴۰	۲/۳۹	-۰/۵۵۰	۰/۲۶۵
ارزیابی مجدد مثبت	۶/۵۴	۲/۳۱	-۰/۲۷۱	۰/۲۶۹
دیدگاه گیری	۶/۲۰	۲/۰۶	-۰/۳۳۱	۰/۳۲۴
فاجعه سازی	۴/۷۷	۲/۱۵	-۰/۲۴۱	۰/۱۵۶
ملامت دیگران	۴/۸۸	۲/۱۹	۰/۱۴۷	۰/۳۳۶
رفتارهای پرخطر	۷۳/۷۵	۲۱/۱۳	۰/۶۳۱	۰/۵۶۲

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. لازم به ذکر است اطلاعات توصیفی به تفکیک متغیرها و خرده مقیاس ها آمده است. کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش نیز بین ۰/۷۵ و -۰/۷۵ قرار داشت و توزیع آنها نرمال

بود. همچنین، همخط نبودن متغیرهای پیشبین نیز بررسی شد و تلرانس^۱ تمامی متغیرها بیش از ۰/۷ و عامل تورم واریانس^۲ آنها کمتر از ۱/۷ بود، که این نشانه‌ی هم خط نبودن متغیرهای پیشبین است.

در این مطالعه ما دو فرضیه را مطرح کردیم اولین فرضیه ما این بود که بین تحریف شناختی و رفتارهای پرخطر با نقش میانجی سبک های مقابله‌ای دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی رابطه وجود دارد. برای پاسخ به فرضیه رابطه ساختاری تحریف شناختی و رفتارهای پرخطر با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای مورد بررسی قرار گرفت. برای این مدل نیز خرده مقیاس‌های همه یا هیچ، تعمیم مبالغه آمیز، فیلتر ذهنی، بی‌توجهی به امر مثبت، نتیجه گیری شتابزده، درشت بینی و زیر بینی، استدلال احساسی، باید - بهتر، برچسب زدن، شخصی سازی، راهبرد مسئله مدار و راهبرد هیجان مدار به عنوان متغیر نشانگر در مدل استفاده شد. نمودار مسیر مربوط به این مدل در شکل ۱ و مشخصه‌های آماری همراه با شاخص‌های برازش آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

شکل ۱ نمودار مسیر تبیین نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین تحریف شناختی و رفتارهای پرخطر



جدول ۲ شاخص های برازندگی مدل تبیین نقش واسطه ای سبک های مقابله ای در رابطه بین تحریف شناختی و رفتارهای پرخطر

RMSEA	RFI	NFI	CFI	p	X/df	df	X
۰/۰۲۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۰۱	۲/۱۹	۶۳	۲۵۱/۳۴۷

همانطور که در جدول ۲ دیده می‌شود، بیشتر شاخص‌های برآورده شده نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار است. مجذور کای (۲۵۱/۳۴۷) از لحاظ آماری معنادار نیست و نسبت آن به درجه آزادی نیز (۲/۱۹) با ملاک‌های پیشنهادی مطابقت دارد. شاخص‌های CFI، NFI و RFI نیز بزرگتر از ۰/۹ است کاملاً بیانگر برازش مناسب مدل با داده هاست. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) در حد خوب (کمتر از ۰/۰۸) قرار دارد. همان گونه که مشاهده می‌شود تحریف شناختی اثر معناداری بر سبک‌های مقابله‌ای می‌گذارد که بدان معنا است از سوی مولفه‌های تحریف شناختی با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای با ضریب استاندارد ۰/۱۱ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر تبیین می‌کند. با توجه به

۱. Telorance

۲. variance inflation factor(VIF)

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

مسیرهای علی-ساختاری اندازه‌گیری شده می‌توان چنین استنباط کرد که رفتارهای پرخطر از مولفه‌های تحریف شناختی اولیه با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای تاثیر معنی‌داری می‌پذیرد. ضرایب رگرسیون هر کدام از مسیرها در جدول ۳ آمده است.

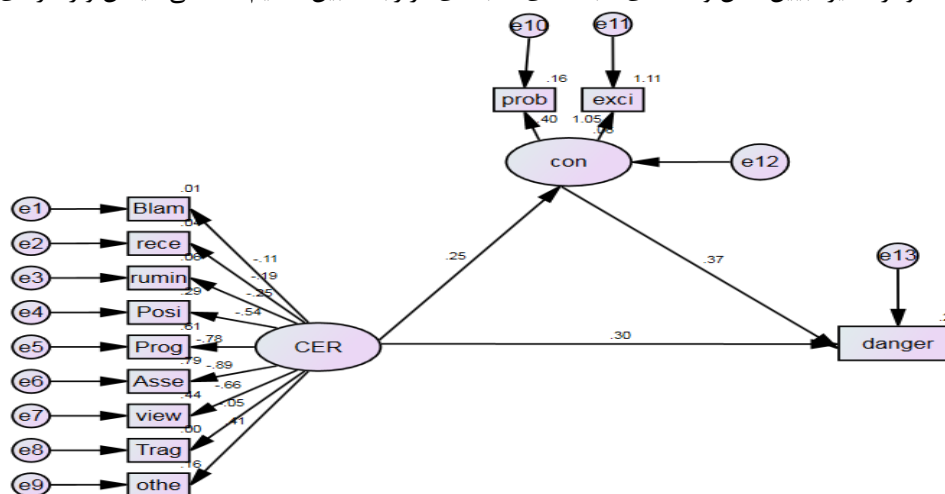
جدول ۳ ضرایب رگرسیون استاندارد مسیرهای مدل تبیین نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین تحریفات شناختی با رفتارهای پرخطر

مسیر	میزان برآورد
تحریف شناختی ← سبک‌های مقابله‌ای	۰/۷۲
سبک‌های مقابله‌ای ← رفتارهای پرخطر	۰/۱۱

همان طور که مندرجات جدول نشان می‌دهد مولفه‌های تحریف‌های شناختی قادر به پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای هستند، همچنین سبک‌های مقابله‌ای نیز اثر معناداری بر رفتارهای پرخطر دارند.

دومین فرضیه ما در مطالعه حاضر این بود که بین تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه نیز رابطه ساختاری تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای مورد بررسی قرار گرفت. برای این مدل نیز خرده مقیاس‌های ملامت خویش، پذیرش، تمرکز روی افکار/نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌سازی، ملامت دیگران، راهبرد مسئله‌مدار و راهبرد هیجان‌مدار به عنوان متغیر نشانگر در مدل استفاده شد. نمودار مسیر مربوط به این مدل در شکل ۲ و مشخصه‌های آماری همراه با شاخص‌های برازش آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

شکل ۲ نمودار مسیر تبیین نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر



جدول ۴ شاخص‌های برازندگی مدل تبیین نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر

RMSEA	RFI	NFI	CFI	p	X/df	df	X
۰/۰۳۳	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۰۰۱	۲/۲۵	۶۲	۲۱۲/۱۵۷

همانطور که در جدول ۴ دیده می‌شود، بیشتر شاخص‌های برآورده شده نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار است. مجذور کای (۲۱۲/۱۵۷) از لحاظ آماری معنادار نیست و نسبت آن به درجه آزادی نیز (۳/۲۵) با ملاک‌های پیشنهادی مطابقت دارد. شاخص‌های CFI، NFI و RFI نیز بزرگتر از ۰/۹ است کاملاً بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌هاست. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) در حد خوب (کمتر از ۰/۰۸) قرار دارد. همان گونه که مشاهده می‌شود تنظیم شناختی هیجان اثر معناداری بر سبک‌های مقابله‌ای می‌گذارد که بدان معنا است از سوی مولفه‌های تنظیم شناختی هیجان با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای با ضریب استاندارد ۰/۳۷ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر تبیین می‌کند. با توجه به مسیرهای علی-ساختاری اندازه‌گیری شده می‌توان چنین استباط کرد که رفتارهای پرخطر از مولفه‌های تنظیم شناختی هیجان با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای تاثیر معنی داری می‌پذیرد. ضرایب رگرسیون هر کدام از مسیرها در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵ ضرایب رگرسیون استاندارد مسیرهای مدل تبیین نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای پرخطر

مسیر	میزان برآورد
تنظیم شناختی هیجان ← سبک‌های مقابله‌ای	۰/۲۵
سبک‌های مقابله‌ای ← رفتارهای پرخطر	۰/۳۷

همان طور که مندرجات جدول نشان می‌دهد مولفه‌های تنظیم شناختی هیجان قادر به پیش بینی سبک‌های مقابله‌ای هستند، همچنین سبک‌های مقابله‌ای نیز اثر معناداری بر رفتارهای پرخطر دارند.

جدول ۶ نتایج آزمون بوت استراپ برای بررسی مسیر میانجی

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	بوت استراپ	حد پایین	حد بالا	فاصله اطمینان
تحریفات شناختی	سبک‌های مقابله‌ای	رفتارهای پرخطر	۱/۳۲۷	۲/۶۴۸	۰/۶۴۷	۰/۹۵
تنظیم شناختی هیجان	سبک‌های مقابله‌ای	رفتارهای پرخطر	۱/۱۳۲	۲/۳۵۲	۰/۴۴۶	۰/۹۵

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تحریفات شناختی و تنظیم شناختی هیجان از طریق سبک‌های مقابله‌ای با رفتارهای پرخطر رابطه مستقیم و غیر مستقیم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی انجام شد. در این مطالعه دو فرض را مطرح کردیم. اولی بین تحریف شناختی و رفتارهای پرخطر با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی رابطه وجود دارد. دومی بین تنظیم شناختی هیجان و رفتارهای پرخطر با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای دختران

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی رابطه وجود دارد. یافته‌های مطالعه حاضر هر دو فرضیه را تایید کرد و با مطالعات پیشین (محمدی حسینی اصل و همکاران، ۱۴۰۱؛ کرمانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ مسلک و همکاران، ۱۴۰۰؛ خطیب و همکاران، ۱۴۰۰؛ سینگ و سینگ، ۲۰۲۳؛ کاروالیو و همکاران، ۲۰۲۳؛ پوزلو و همکاران، ۲۰۲۲؛ چورکوجی و همکاران، ۲۰۲۱) همسو بود. در خصوص تبیین این دو فرضیه می‌توان گفت که فرضیه‌های تایید شده در مطالعه ما بر تعامل پیچیده بین فرآیندهای شناختی، تنظیم هیجانی و پیامدهای رفتاری تاکید می‌کند. درک اینکه چرا این فرضیه‌ها تأیید شد، مستلزم بررسی دقیق تحریف‌های شناختی، سبک‌های مقابله، تنظیم هیجان و اختلال افسردگی و نحوه تعامل این عناصر برای تأثیرگذاری بر رفتارهای پرخطر است. سبک‌های مقابله‌ای اشاره‌ای به راهبردهایی دارد که افراد برای مدیریت استرس و چالش‌های هیجانی استفاده می‌کنند. این راهبردها را می‌توان به طور کلی به دو دسته مقابله انطباقی و ناسازگار طبقه بندی کرد. راهبردهای مقابله‌ای انطباقی، مانند حل مسئله، جستجوی حمایت اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های سالم، می‌تواند به افراد کمک کند تا استرس را به طور موثر مدیریت کنند و پریشانی عاطفی را کاهش دهند. راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار، مانند اجتناب، انکار، سوء مصرف مواد و آسیب رساندن به خود، تسکین موقتی را فراهم می‌کند اما در نهایت مشکلات هیجانی و رفتاری را تشدید می‌کند (ثودراتو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، سبک‌های مقابله‌ای نقش واسطه‌ای مهمی در رابطه بین تحریف‌های شناختی و رفتارهای پرخطر در میان دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی ایفا می‌کنند، چراکه بر نحوه مدیریت استرس و پریشانی هیجانی این افراد تأثیر می‌گذارد (موربرگ و بروو^۲، ۲۰۰۵). تحریف‌های شناختی، مانند فاجعه سازی، تعمیم بیش از حد، و تفکر سیاه و سفید، منجر به حالات هیجانی منفی مانند اضطراب، ناامیدی و درماندگی می‌شود. این افکار تحریف شده علائم افسردگی را تشدید می‌کند و تنظیم موثر هیجانات را برای افراد دشوار می‌کند (رنیک^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). نوجوانان هنگامی که با پریشانی هیجانی شدید مواجه می‌شوند، افراد مبتلا به علائم افسردگی اغلب به راهبردهای مقابله‌ای برای کاهش هیجانات منفی خود روی می‌آورند. نوع راهبرد مقابله‌ای انتخاب شده - انطباقی یا ناسازگار - به طور قابل توجهی بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارد. استراتژی‌های مقابله‌ای ناسازگار، مانند سوء مصرف مواد، خودآزاری و رفتارهای جنسی پرخطر، موقتاً درد عاطفی را تسکین می‌دهند، اما در نهایت مسائل اساسی را تشدید می‌کنند و منجر به پیامدهای منفی بیشتر می‌شوند. این استراتژی‌ها اغلب به این دلیل اتخاذ می‌شوند که گریز فوری، هرچند کوتاه‌مدت، از هیجانات طاقت‌فرسا ناشی از تحریف‌های شناختی ارائه می‌کنند (هوی و فرگوسن^۴، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، راهبردهای مقابله‌ای سازگار، مانند جستجوی حمایت اجتماعی، درگیر شدن در حل مسئله، و شرکت در فعالیت‌های سالم، به افراد کمک می‌کند تا استرس و درد هیجانی خود را به طور سازنده تری مدیریت کنند. این استراتژی‌ها با ترویج ارزیابی متعادل‌تر و واقعی‌تر از موقعیت‌ها، تأثیر تحریف‌های شناختی را کاهش می‌دهند و در نتیجه از شدت هیجانات منفی می‌کاهد (بت‌کی^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، سبک‌های مقابله‌ای با تعیین نحوه واکنش افراد و مدیریت پریشانی هیجانی خود، رابطه بین تحریف‌های شناختی و رفتارهای پرخطر را واسطه می‌کنند. از طرف دیگر، راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار اغلب شامل رفتارهایی است که ذاتاً مخاطره آمیز یا مضر هستند. به عنوان مثال، سوء مصرف مواد می‌تواند قضاوت را مختل کند، تکانشگری را افزایش دهد و فرد را در معرض موقعیت‌های خطرناک قرار دهد. به طور مشابه، خودآزاری می‌تواند منجر به آسیب جسمی شود و خطر رفتار خودکشی را افزایش دهد (نایپ^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). این رفتارهای پرخطر راه‌هایی برای مقابله با درد هیجانی و اختلالات شناختی هستند، اما چرخه‌ای از

1. Theodoratou

2. Murberg & Bru

3. Rnic

4. Huey & Ferguson

5. Betke

6. Knipe

پیشانی و مقابله ناسازگار را تداوم می بخشند. تسکین موقتی که توسط این رفتارها ارائه می شود، استفاده از آنها را تقویت می کند و اتخاذ راهبردهای مقابله سالم تر را برای نوجوانان دشوارتر می کند (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۴).

در نهایت، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی را نیز به همراه داشت از جمله اینکه طرح مقطعی مطالعه توانایی استنباط علیت در طول زمان بین تحریفات شناختی، تنظیم شناختی هیجانات، سبک‌های مقابله و رفتارهای پرخطر را محدود می کند. این مطالعه در کرمانشاه، انجام شد و عوامل فرهنگی ممکن است بر تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق یا جمعیت‌ها تأثیر بگذارد. همچنین، این مطالعه سایر عوامل روانی-اجتماعی مانند پویایی خانواده، تأثیر همسالان، یا وضعیت اجتماعی-اقتصادی را که ممکن است بر رفتارهای پرخطر تأثیر بگذارد، در نظر نگرفت. علاوه بر این، این مطالعه به جای تشخیص‌های بالینی، بر روی علائم خود گزارش شده اختلالات افسردگی تکیه داشت، که ممکن است بر دقت طبقه‌بندی علائم افسردگی تأثیر بگذارد. با توجه به محدودیت‌های پژوهشی و نتایج حاصل شده در مطالعه‌ی حاضر پیشنهاد‌های زیر مطرح می‌شود: پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی برای اطمینان از نمونه‌ای که بهتر نماینده جامعه است، استفاده کنند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها را افزایش دهند. پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه و یا داده‌های مشاهده‌ای استفاده کنند تا سوگیری‌های پاسخ کاهش پیدا کند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده برای درک بهتر روابط علی بین تحریفات شناختی، تنظیم شناختی هیجانات، سبک‌های مقابله‌ای و رفتارهای پرخطر، انجام مطالعات طولی در مقاطع زمانی مختلف را در نظر بگیرند. همچنین، توصیه می‌شود که مطالعات آینده متغیرهای روانی اجتماعی اضافی مانند پویایی خانواده، روابط با همسالان و وضعیت اجتماعی-اقتصادی را در نظر بگیرند تا درک جامع‌تری از عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر ارائه شود. نهایتاً، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده مطالعه حاضر را در میان سایر مناطق مختلف جغرافیایی تکرار کنند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها بررسی شود و تفاوت‌های منطقه‌ای بالقوه نیز شناسایی شود. به عنوان پیشنهاد کاربردی نیز توصیه می‌شود که مدارس برنامه‌هایی را با تمرکز بر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و مهارت‌های تنظیم هیجانی اجرا کنند تا به دانش‌آموزان در مدیریت علائم افسردگی و کاهش رفتارهای پرخطر کمک کنند.

تعارض منافع

حمایت مالی و تعارض منافع در پژوهش حاضر وجود نداشته است.

سپاسگزاری

مقاله حاضر با شناسه کد اخلاق IR.IAU.SDJ.REC.1403.066 برگرفته از پایان نامه نفر اول مطالعه حاضر است در هیمن راستا، از همه از والدین، مدیران مدارس و دانش‌آموزان شهر کرمانشاه که در انجام این پژوهش همراهی و مساعدت نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

1. Wang

پیش بینی میل به انجام رفتارهای پرخطر بر اساس تحریف شناختی و تنظیم شناختی هیجان با نقش میانجی گری سبک مقابله‌ای در دختران دبیرستانی با علائم اختلالات افسردگی

منابع

- [۱] ابوبکری ماکویی، سهیلا، کابلی، خدیجه، قاسمی، سامان، چاقوساز، مرضیه، صفاء، سحر، کرمی، صابر. (۱۴۰۰). تأثیر رویکرد کوتاه‌مدت راه‌حل‌محور بر راهبردهای مقابله‌ای و سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان سرآمد. فصلنامه کودکان استثنایی. ۲۱ (۱)، ۱۲۶-۱۱۵.
- [۲] امین آبادی، زهرا، خداپناهی، محمدکریم، و دهقانی، محسن. (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آنها. مجله علوم رفتاری، ۵ (۲)، ۱۰۹-۱۱۷.
- [۳] بهادیوند، سمیرا، دوستی ایرانی، امین، کرمی، منوچهر، قربانی، مصطفی، محمدی، یونس (۱۴۰۰). شیوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان ایرانی: مطالعه مرور منظم و متاآنالیز. آموزش و سلامت جامعه، ۸ (۲)، ۱۳۵-۱۴۲.
- [۴] زاده محمدی، علی، احمدآبادی، زهره، و حیدری، محمود. (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (نشریه و رفتار)، ۱۷ (۳)، ۲۱۸-۲۲۵.
- [۵] صادقیان، غفت، و حیدریان پور، علی. (۱۳۸۸). عوامل استرس‌زا و ارتباط آن با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان. حیات، ۱۵ (۱)، ۷۱-۸۱.
- [۶] عیوضی، حشمت، علی اصغر، محمودی میمند، محمد، پرهیزکار، محمد مهدی، آقاییوسفی، علیرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سبک‌های تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان با استفاده از سیستم‌های فعال‌سازی و بازداری رفتاری مغزی. شناخت اجتماعی، ۵ (۲)، ۱۵۵-۱۶۷.
- [۷] کرمانی، رحیم، شقایق، فنودی، نریمانی، محمد. (۱۴۰۱). گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان پسر: نقش پیش بین راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان و تحریف شناختی بین فردی. نشریه علمی رویش روانشناسی، ۱۰ (۱۰)، ۶۰-۲۵۱.
- [۸] مسلمان، مهسا، حسینی، عاصفه، صادق پور، مریم. (۱۳۹۷). ارزیابی معنا در زندگی و تحریف‌های شناختی دانشجویان. فصلنامه علمی/اعتیادپژوهی، ۱۲ (۵۰)، ۸۹-۱۰۴.
- [9] Ahmadi, A., Allahverdipour, H., Valiee, S., Pashazadeh, F., Ghassab-Abdollahi, N., Abdoli, F., & Matlabi, H. (2023). COVID-19 stress and coping strategies among older adults: a systematic review of qualitative evidences. BMC psychology, 11(1), 333.
- [10] Ajisuksmo, C. R. (2021). Why Some Adolescents Engage in Risk-Taking Behavior. International Journal of Educational Psychology, 10(2), 143-171.
- [11] Ciccarelli, M., Nigro, G., D'Olimpio, F., Griffiths, M. D., & Cosenza, M. (2021). Mentalizing failures, emotional dysregulation, and cognitive distortions among adolescent problem gamblers. Journal of Gambling Studies, 37, 283-298.
- [12] Doan, T., Ong, D. C., & Wu, Y. (2024). Emotion understanding as third-person appraisals: Integrating appraisal theories with developmental theories of emotion. Psychological Review.
- [13] Garnefski, N., & Kraaij, V. (2007). The cognitive emotion regulation questionnaire. European journal of psychological assessment, 23(3), 141-149.
- [14] Huey, L., & Ferguson, L. (2022). 'Going missing' as a maladaptive coping behavior for adults experiencing strain. Deviant behavior, 43(1), 17-29.

- [15] Klein, A. G., & Muthén, B. O. (2007). Quasi-maximum likelihood estimation of structural equation models with multiple interaction and quadratic effects. *Multivariate behavioral research*, 42(4), 647-673.
- [16] Knipe, D., Padmanathan, P., Newton-Howes, G., Chan, L. F., & Kapur, N. (2022). Suicide and self-harm. *The Lancet*, 399(10338), 1903-1916.
- [17] Laghari, M. S. N., Ahmed, I., Fatima, S. M., Shafiq, M., & Batool, A. (2023). Comparison Between Emotion Focused And Problem Focused Coping Strategies Of Stress Among Working Women In Pakistan. *Journal of Positive School Psychology*, 370-381.
- [18] Liang, Y., Chen, J., Xiong, Y., Wang, Q., & Ren, P. (2023). Profiles and transitions of non-suicidal self-injury and depressive symptoms among adolescent boys and girls: predictive role of bullying victimization. *Journal of youth and adolescence*, 52(8), 1705-1720.
- [19] Liu, D., Cui, Z., Zhang, Q., Liu, F., Chen, H., Wang, J., & Feng, T. (2023). The mediating role of specific coping styles in the relationship between perceived social support and depressive symptoms in adolescents. *Journal of Affective Disorders*, 325, 647-655.
- [20] McRae, K. (2016). Cognitive emotion regulation: A review of theory and scientific findings. *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 10, 119-124.
- [21] Murberg, T. A., & Bru, E. (2005). The role of coping styles as predictors of depressive symptoms among adolescents: A prospective study. *Scandinavian journal of psychology*, 46(4), 385-393.
- [22] Nzoma, A., & Shaw, R. (2024). Depression, Anxiety, and Suicide. In *Pediatric Rotations: A Quick Guide for Medical Students* (pp. 205-220). Cham: Springer International Publishing.
- [23] Osmani, V., Hörner, L., Klug, S. J., & Tanaka, L. F. (2023). Prevalence and risk of psychological distress, anxiety and depression in adolescent and young adult (AYA) cancer survivors: a systematic review and meta-analysis. *Cancer Medicine*, 12(17), 18354-18367.
- [24] Petrova, K., Zielke, J. N., Mehta, A., & Gross, J. J. (2024). Occurrent beliefs about emotions predict emotion regulation in everyday life. *Emotion*, 24(4), 992.
- [25] Ramos, J., & Lopez, J. (2024). Exploring Psychological Youth Self-Harm Drivers and Significance of Relapses in Coping Strategies. *Journal of Student Research*, 13(1).
- [26] Rnic, K., Dozois, D. J., & Martin, R. A. (2016). Cognitive distortions, humor styles, and depression. *Europe's journal of psychology*, 12(3), 348.
- [27] Sefidrood, M., & Hobbi, M. B. (2023). The Role of Attachment Styles and Cognitive Emotion Regulation in Predicting the Tendency to High-Risk Behaviors in Adolescents. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, 10(1), 1-8.
- [28] Theodoratou, M., Farmakopoulou, I., Kougiumtzis, G., Kaltsouda, A., Siouti, Z., Sofologi, M., ... & Tsitsas, G. (2023). Emotion-focused coping, social support and active coping among university students: Gender differences. *Journal of Psychology & Clinical Psychiatry*, 14(1), 5-9.
- [29] Vidourek, R. A., Chaliawala, K. S., & King, K. A. (2024). Individual, parent, and school factors associated with e-cigarette use among Asian adolescents. *Journal of Substance Use*, 1-6.
- [30] Wang, Y., Tian, J., & Yang, Q. (2024). Experiential Avoidance Process Model: A Review of the Mechanism for the Generation and Maintenance of Avoidance Behavior. *Psychiatry and Clinical Psychopharmacology*, 34(2), 179.